

نحوه و چگونگی عملکردها در پس زمینه یک انشعاب شکست اخلاقی با هیچ نیرویی جبران نمی گردد ریشه اختلافات در هویت های منطقه یی و قومی

مشخصه موازنه منفی در جهان چند قطبی
جستجوی راه عقب نشینی در سایه ها
طرح پرسش های ناخوشایند
سناریوی کابوس

ماهیت و بستر دگرگونی سیاسی پسین در کشور عزیزما بگونه ای بوده است که تصلب بر یکی از انواع تقسیم بندی های رایج و همچنان تقسیم بندی های انواع تحول انقلابی (انقلاب، کودتا، جنگ داخلی و ...) مانع فهم ابعاد مختلف و پیچیدگی های این دگرگونی می شود. برین مبنای پژوهش حاضر بر بنیاد این فرضیه شکل می گیرد که تحلیل نظری این رخداد، مستلزم ترکیبی از نظریه های قدیم و جدید در مورد منطق عملکردی بمنظور دگرگونی سیاسی است. در این معنا، جنبش کنونی حاکم در کشور با اتکا بعنصر انشعاب در شرايط بحران دولت - ملت، یعنی آمیزه ای از جامعه گسسته و دولت ور شکسته و تقارن با شرایط مناسب بین المللی، بدون مواجهه با مقاومت جدی از جانب جامعه، دولت و بازیگران خارجی موفق به باز یابی حاکمیت خود در کشور گردید. شیوه وقوع این تحول، از نقطه از نظر شکلی، به سبک انقلاب های شرقی، پیشروی از پیرامون تا تسخیر پایتخت، شباهت هایی بهم می رساند. مهمتر از همه، اهمیت عصبیت در انسجام گروهی "طالب" ها، تأثیر از هم گسیختگی اجتماعی و نبود دولت ملی بر شکل نگرفتن ضد بسیج در برابر "طالب" ها و تقارن با شرایط مناسب بین المللی در جا بجایی قدرت. این خلدون عصبیت را عامل بسیج قو او تشکل دولت در جوامع قبیلوی میندازد.

در باره مسایل و کنگه مطالب مورد مطالعه در نبشته حاضر، قبل از همه یاددهانی این مسأله از اهمیت منحصر بفردی برخوردار می باشد که بویژه، تابستان سال ۱۴۰۰ خورشیدی، به نقطه عطفی در تاریخ کشور عزیزما مبدل گردیده و با احتمال اغلب و گمان غالب که در پس زمینه آن، چگونگی اوضاع سیاسی - اجتماعی سال های پس از تاریخ ذکر شده نیز رقم زده شد. اما، همه بگونه ایی متفق الرأی میباشند که تخلیه سریع و مملو از هرج و مرج نظامیان امریکایی و ترک همراه با شتاب و دستپاچگی سرزمین و اراضی متعلق بکشور عزیزما، بویژه کابل را بگونه کاملن بیدفاع رها نموده و میهن دوست داشتنی ما، دودسته به شبه نظامیان "طالب" ها تحویل داده شد. سناریوی وضعیت اینچنینی مدت ها قبل، پس از سرگردانی هایی در اطاق های فکراتلاعاتی و دفاعی ایالات متحده و هم پیمانانش تدوین و در نها نهایت امر از قوه بفعل مبدل گردید. با وجود امتناع بسیاری از کشورها و خودداری برخی از مراجع تصمیمگیری در غرب، در مورد حذف نام "طالب" ها از فهرست گروهها و دسته بندی های تروریستی، اما گروه یادشده، اکنون در مسند قدرت کشور قرار گرفته و مدعی تسلط و نظارت بر سایر بخش ها و مناطق مربوط با اراضی کشور می باشند. بخاطر ما باشد که بویژه در شرایط و وضعیت کنونی، شهروندان هیچکدام از کشورهای جهان، اصلن خواهان تکرار تجربه فاجعه بار ایالات متحده، آنهم بویژه تحت عنوان برقراری "دموکراسی" در اراضی متعلق بکشورما نمیباشند، بنابراین با وضعیت اینچنینی، در امر مبارزه علیه "طالب" ها جز مقاومت و نافرمانی داخلی در قبال تصامیم و عملکردهای آنها، تاکنون نمی توان مورد دیگری را سراغ نمود. اما درباره یادشده، پرسشی باین شرح مطرح می گردد کایا بقدرت رسیدن مجدد "طالب" ها، در نوع خود بمثابة موفقیت و پیروزی بنیادگرایی بشمار آمده و یا هدمند بودن تاکتیک

ها و چگونگی عملکردهای "طالب" ها محسوب می گردد؟ بیادما باشد که پایان جنگ و درگیری های مسلحانه طولانی مدت در کشور، نه تنها نشاندهنده آغاز یک دوره جدید برای کشور عزیزما بود، بلکه علامه هشداردهنده ای را بهمه همفکران ارسال نمود که: هررقیبی، حتا دشمنی بقدرتمندی ایالات متحده با همه تواناییهای نظامی و اقتصادی اش، نیزآسیب پذیرمیباشد. اما این واقعیت قابل یاددهانی پنداشته میشود که درامتداد دهه های پسین، سازماندهی و انجام عملکردهای تروریستی، آنهم با هزینه های نسبتن ناچیزی، بمثابه محبوب ترین تاکتیک های دسته بندی های رادیکالیستی پنداشته می شد.

با اینحال، علیرغم موفقیت های مقاومتی، مبارزان بندرت باهداف شان دست یافتند و در نهایت امر، این دشمن بود که پیروزمیدان و برنده کارزارنبرد گردید. اما با بقدرت رسیدن مجدد "طالب" ها، خلاف امریادشده را ثابت نمود و آن اینکه جنگ چریکی طولانی مدت می تواند صدمات جبران ناپذیری باقتصاد طرف های درگیروارد نموده و درنهایت آنها را ناگزیربعقب نشینی نماید. درامتداد حضور ۲۰ ساله نظامیان خارجی بویژه ایالات متحده درکشورعزیزما، در حالی که عملن بهیچ مورد درشت وقابل ذکری نایل نگردیدند، ۲ تریلیون دالررا هزینه نمودند. بسیاری ها باین باورند که حتا قبل ازسال ۲۰۲۱ ترسایبی، علایم شکست تهاجم ایالات متحده بسرزمین کشورما بمشاهده می رسید. اما یکدهه قبل، نادیده گرفتن این واقعیت که امکان پایان پیروزمندانه درگیری ها درراضی متعلق بکشورعزیزما اصلن پیشبینی هم نمیگردید و یک امردشواری غیرقابل تصورپنداشته می شد. با وجود تضمین ها و پیشبینیهای کارشناسان امور مربوط، که جنگ بزودی خاتمه خواهد پذیرفت، اما با گذشت هرسال، این واقعیت آشکار و آشکارتر می گردید که "طالب" ها بهیچوجه تضعیف نگردیده و دولت افغانستان نیز به تنهایی قادر نبود تا باداره امورکشورسروسامان بخشد. برنامه دموکراتیزه نمودن دستگاه اداره دولت نیز با شکست مواجه گردیده و زمینه ها وبسترهای مساعدی به منظور رادیکالیزه شدن بیشتر شهروندان کشورواکمال صفوف و رده های پایینی ستیزه جویان نیز مهیا گردید. تخلیه و بازگرداندن عجولانه و همراه با تشنج نظامیان امریکایی، بازگوی این واقعیت بود که مقاومت "طالب" ها روزتا روزتداوم حاصل نموده و درنتیجه و نهایت امر، بقدرت رساندن "طالب" ها حتمی بنظرمی رسید.

درشرایط و وضعیت کنونی، با موجودیت کانون های بیشمارعملکردهای بنیادگرایانه اسلامی، هیچ جریانی تاکنون موفق نگردیده تا بحصول اهداف تعیین شده، بگونه کاملی دست یابند. شکست های پی اندر پی و یکی پس از دیگر گروه های یادشده، بازگوی تلاش بمنظوردستیابی باهداف سیاسی بویژه با استفاده ازانجام شیوه های تروریستی می باشد. از سال های سال بدینسو، بسیاری از گروه های تروریستی جهان در وضعیت مشابهی با تحریک "طالب" های چند سال قبل قراردارند. نفرات مخالف و مدعیان سرسپرده ضد طالبانی، دربسا زمینه ها، بگونه قابل توجهی از آنها بیشتربوده و تداوم مبارزه با آنها فقط بگونه نامنقارن امکان پذیرتلقی می گردید.

قابل یاددهانی پنداشته می شود که موفقیت "طالب" ها در کشورما، می تواند بمثابه چراغ سبزی برای سایر دسته بندی های تروریستی، بویژه برای گروه های فعال درکشورهای واقع در جنوب شرق آسیا و بکارگیری ازروش ها و شیوه های مشابه جنگ تلقی گردد.

در مورد مسایل مربوط به منطقه، بایست خاطر نشان گردد که منطقه کشمیر هند از نقطه نظر موجودیت پتنتسیال بمنظورازسرگیری وانجام عملکردهای تروریستی، بمثابه یکی ازخطرناکترین مناطق بشمارمی آید. درامتداد زمانی پسین، از شدت انجام عملکردهای تروریستی در منطقه یادشده بدلیل عدم کارآیی تاکتیک های مورد نظر، کاهش بعمل آمده و قادرنگردیدند تا دولت هند را ناگزیربه تغییرمواضعش درمنطقه نمایند. درمقابل، مقامات هندی تصمیم اتخاذ نمودند تا سیاست شان را درقبال کشمیردرجهت محدودیت بیشتر خودمختاری منطقه وشهروندان مسلمان آن تغییردهند. با اینحال، اکثریت شهروندان منطقه یادشده پیرودین اسلام بوده و درصورت تغییرشرایط ویا تاثیرگذاری عوامل بیرونی، امکانات بروزدرگیری های بیشتر فراهم خواهد گردید. اما اصل دستیابی "طالب" ها بقدرت درکشور ما میتواند بمثابه محرکی بمنظوربروزوشکل گیری ناآرامی های جدید پنداشته شده و سازمان ها ودسته بندی های متعدد تروریستی درهند موجودند که بخش عمده آنها اسلام گرا می باشند، اما نباید فراموش نمود که تاکتیک های آنها با تاکتیک های "طالب" ها درکشورما ازهم متفاوت می باشد. درعین حال، با بقدرت رسیدن "طالب" ها، نوع مناسبات ونحوه روابط موضعگیری ها هم درافغانستان وهم درپاکستان دستخوش تحول ودگرگونی گردیده که بخودی خود وبنحویب ازانحأ بردرگیری های موجود درکشمیر واصل ثبات درمجموع کشورهند نقش مؤثرتعین کننده ای خواهد داشت. درامتداد زمانی موجودیت نظامیان امریکایی درکشورما، پاکستان بگونه رسمی بمثابه متحد واشنگتن باقی ماند. دستاورد قابل ذکر مقامات پاکستانی درین واقعیت نهفته بود که با در اختیار قراردادن بنادرآکشوربه وا

سنگتن و متحدین غربی ایالات متحده بمنظور انجام تدارکات برای نیروهای ائتلاف در کشورما، استفاده ابزاری نما یند. مقامات پاکستانی، در اول امر روابط بسیار دوستانه ای با "طالب" های افغان داشته و کمک ها و حمایت های مالی سخاوتمندانه ای را در خدمت آنها قرار داده، جنگجویان آنها را از آموزش تخریبکاری و بقتل رساندن شهروندان کشور ما بی نصیب ننموده و...، بدین ترتیب، بقدرت رسیدن "طالب" ها در کشورما برای پاکستان رویداد قابل انتظار پنداشته شده و از آن بمثابة نشانه همبستگی شهروندان پاکستانی، یاد نموده و بیرق "طالب" ها بر فراز مسجد مرکزی اسلام آباد برافراشته شد. همکاری اینچنینی هم از نقطه نظر منافع ژئوپولیتیکی این کشور و هم برای ثبات در منطقه کشمیر به مثابه تهدید جدی پنداشته میشود. از منظر جهانی، بقدرت رسیدن "طالب" ها در کشورما، این فرصت را برای پاکستان مساعد و مهیا نمود تا با بدست آوردن یک متحد جدید در منطقه، عمق ستراتیژیکش را بسط و گسترش بخشد. از جا نب دیگر، انجام گفتگوها و نشست و برخاست های "طالب" ها با مقامات چینی، بخودی خود نشاندهنده حفظ نظارت بر کشورهند پنداشته میشود. از منظر محلی، پایان درگیری های مسلحانه در کشورما و نزدیکی برخی گروهها با سایر بنیادگراها می تواند فرصت ها و امکانات گسترده ای را بمنظور حمایت و پشتیبانی از بنیادگراهای اسلامی در کشمیر فراهم نماید.

نباید فراموش نمود که اسلام آباد در امتداد زمانی درگیری های مسلحانه در کشورما، هم با "طالب" ها و هم با آرمان های سایر جنگجویان ضد رژیم حاکم در کشورما، ابراز همدردی و هم پیوستگی می نمود. بر مبنای اظهار نظر برخی ها، پایان جنگ و ختم درگیری های مسلحانه در کشورما، حتا ممکن برای پاکستان نیز پیامدهای منفی بدنبال داشته باشد. زیرا از چندین دهه بدینسو گروههای پیشماری از بنیادگراهای اسلامی در اراضی متعلق به پاکستان، بانجام اقدامات ترو ریستی مبادرت می ورزند. موجودیت "طالب های پاکستان"، علیرغم تشابه نام ها، رابطه میان "طالب" ها افغان و پاکستانی بگونه آشکاری خودنمایی می نماید. در امتداد زمانی درگیری های مسلحانه در کشور عزیزما، بگومگوها و زد و خوردهایی نیز میان گروههای دوگانه یادشده بوقوع پیوست. "طالب های پاکستانی" تقریباً در موقعیت مشابه با "طالب" های افغان، بویژه قبل از تخلیه نظامیان امریکایی از کشورما قرار داشته و در شرایط و وضعیت چشم انداز مشابهی عمل نموده، از عین روش های تداوم درگیری های مسلحانه استفاده نموده و فقط و فقط در انتظار برقراری حاکمیت اسلامی با همه پیامدهای احتمالی ناشی از آن بسر می برند، در اینمورد قابل یاددانهی پنداشته می شود که بقدرت رسیدن "طالب" ها در کابل، بویژه برای "همکاران پاکستانی" آنها معنا و مفهوم کاملن جدیدی کسب می نماید، چه، بقدرت رسیدن "طالب" در کشورما، فقط و فقط بمثابة یک پیروزی جنبش در کشور همجوار پنداشته نشده، بلکه نمونه ای از رهنمای عمل بمنظور تداوم جنگ نامتقارن محسوب می گردد.

اثرگذاری های پایان و ختم درگیری های مسلحانه و توقف جنگ در کشورما را می توان در پاکستان کنونی بوضاحت مشاهده نمود، چه، عملیات تروریستی "طالب های پاکستان"، بویژه پس از فراخواندن نظامیان امریکایی از کشورما بگونه قابل ملاحظه ای افزایش حاصل نموده و از وسعت و گسترش آن گزارش هایی نیز بنشر رسیده. در عین زمان، علیرغم موجودیت تضادها و تفاوت های موجود میان "طالب" های افغان و پاکستانی، جانب "طالب" ها ی افغان بمنظور وارد شدن در امر رویارویی با اولی ها، عجله و شتابی بخرچ نداده و عملن امکانات و شرایط انجام عملی عملیات مسلحانه از قلمرو خویش را فراهم و مهیا می نمایند.

اینکه چه مواردی سیاست اینچنینی را دیکته می کند، ناتوانایی در امر مبارزه با هسته های خوابیده تروریستی می باشد و یا عدم و نبود تمایل در مورد یادشده؟ اما در شرایط و وضعیت کنونی، "طالب های پاکستانی"، عملن بدون هیچگونه مانعی در اراضی و سرزمین کشورما جابجا شده و بگونه دوامداری به مواضع و مراکز مورد نظر در قلمرو پاکستان حملات و بمب گذاری هایی را انجام می دهند. بگمان بسیاری ها، در آینده های قابل پیشبینی، تهدیدهای تروریستی در اسلام آباد افزایش حاصل خواهد نمود.

بخاطر ما باشد که "طالب" ها با بقدرت رسیدن در کشور، بگونه منحصر بفردی از مقوله جنبش های مخالف حذف گر دیده که وضعیت اینچنینی خلایی را در حوزه مخالفان ایجاد نمود. فرصت یادشده، اصلن نیروهایی را که باشغال مواضع "داعش" متوسل می گردند، نمی توانست خوشنود سازد. اما "دولت اسلامی" (داعش) در حال افزایش طر فداران و وسعت دامنه عملکردهایش در کشورما می باشد. بقدرت رسیدن "طالب" ها در کشور، اصل مصالحه سیاسی که "طالب" ها ناگزیر بانجام آن شدند، می تواند موقعیت آنها را بویژه در میان قشرها و بخش های مذهبی شهروندان کشورما بگونه جدی تضعیف نماید.

یکشنبه ۱۹ ماه حوت سال ۱۴۰۳ خورشیدی برابر با ۹ ماه مارچ سال ۲۰۲۵ ترسایی